

3510

ع

٢٥٥

بوسنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# گھٹان ہمارے مذہب اسلام در ترکیہ معاصر

رسول نوروزی فیروز



پروفیسر شاہد علوم و فنون اسلام

## گفتمان‌های تمدن اسلامی در ترکیه معاصر

رسول نوروزی فیروز

ناشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تهیه

مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی

سروربایستار

محمدباقر انصاری

ویراستار

وحید حامد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی

چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۴۰۰

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

عنوان: ۵۳۳؛ مسلسل: ۸۳۰

## نشانی

قم، خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تلفن و دورنگار: ۰۲۵-۳۷۸۳۲۸۳۳

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸

کدپستی: ۳۷۱۵۶۱۶۵۹۱

## مراکز پخش

۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۰۲۵-۳۷۸۳۲۸۳۴

۲. تهران، خیابان انقلاب، روبروی در دانشگاه تهران.

پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن:

۰۲۱-۶۶۹۵۱۵۳۴

وبگاه: [www.pub.isca.ac.ir](http://www.pub.isca.ac.ir)

رایانامه: [nashr@isca.ac.ir](mailto:nashr@isca.ac.ir)

فروشگاه مجازی نشر: [www.shop.isca.ac.ir](http://www.shop.isca.ac.ir)

فروشگاه نشر دیجیتال: [www.pajooahaan.ir](http://www.pajooahaan.ir)

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

گفتمان‌های تمدن اسلامی در ترکیه معاصر / رسول نوروزی فیروز؛ تهیه مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی

مشخصات نشر:

قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری:

۳۰۰ ص.: جدول

شابک:

۴۵۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت:

کتابنامه: ص. [۲۵۷] - ۲۷۶؛ همچنین به صورت زیرنویس

یادداشت:

نمایه

موضوع:

اسلام - ترکیه - تجدید حیات فکری

موضوع:

تجددگرایی (اسلام) - ترکیه - تاریخ - قرن ۲۰ م.

موضوع:

گفتمان دینی

موضوع:

تمدن اسلامی - تأثیر غرب

شناسه افزوده:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی

رده‌بندی کنگره:

BP ۱۵/۵

رده‌بندی دیوبی:

۲۹۷/۹۱۶۵۶۱

شماره کتابشناسی ملی:

۵۷۶۶۷۷۴

|    |                                             |
|----|---------------------------------------------|
| ۹  | سخنی با خواننده                             |
| ۱۳ | مقدمه                                       |
| ۱۳ | ۱. بحران رویارویی جهان اسلام با غرب مدرن    |
| ۱۷ | ۲. مسائل و رویکردهای برآمده از بحران مواجهه |
| ۲۳ | ۳. معرفی پژوهش حاضر و تقدیر و تشکر          |

## فصل اول: تحلیلی بر تحولات تاریخ معاصر ترکیه

|    |                                            |
|----|--------------------------------------------|
| ۲۷ | ۱. دوره عثمانی                             |
| ۴۱ | ۲. ترکیه مدرن                              |
| ۵۴ | ۳. عبور از لائیسزم و بازگشت به اسلام‌گرایی |

## فصل دوم: سعید نورسی،

### احیای اسلام‌گرایی و رویارویی با تمدن غرب مدرن

|    |                                                           |
|----|-----------------------------------------------------------|
| ۶۳ | مقدمه                                                     |
| ۶۶ | ۱. زندگی نورسی: از تولد تا بدیع‌الزمان شدن                |
| ۷۰ | ۲. ادوار زندگی علمی و جنبش نور                            |
| ۷۸ | ۳. رسائل النور: اندیشه‌ورزی سیاسی - اجتماعی حول محور قرآن |

- ۸۳..... ۴. اندیشهٔ تمدنی نورسی
- ۸۵..... الف) تعریف تمدن
- ۸۶..... ب) منبع تمدن
- ۸۷..... ج) متغیر کانونی تمدن
- ۹۳..... د) ماهیت تمدن غرب
- ۹۷..... هـ) مقایسهٔ تمدن اسلامی و تمدن غربی
- ۱۰۸..... و) دین و تمدن
- ۱۰۹..... ز) وحدت و تمدن
- ۱۱۴..... ح) علم و تمدن
- ۱۱۷..... نورسی و لزوم تحول در نظام دانشی جهان اسلام
- ۱۲۰..... ط) دولت و تمدن
- ۱۲۳..... جمع‌بندی و بررسی آرای نورسی در باب تمدن اسلامی

### فصل سوم: گفتن‌های اسلام سیاسی در رویارویی با غرب

- ۱۳۱..... ۱. ظهور اسلام‌گرایی سیاسی
- ۱۳۳..... ۲. ادوار اسلام‌گرایی سیاسی
- ۱۳۳..... الف) دورهٔ نخست اسلام‌گرایی سیاسی
- ۱۳۷..... ب) دورهٔ دوم اسلام‌گرایی سیاسی
- ۱۴۵..... ج) دورهٔ سوم اسلام‌گرایی سیاسی (عرفی‌شدن اسلام‌گرایی سیاسی)
- ۱۴۷..... ۳. اصول اندیشهٔ سیاسی در اسلام‌گرایان سیاسی (نجم‌الدین اربکان)
- ۱۴۷..... الف) ابتدا بر اسلام
- ۱۵۰..... ب) نهادینه‌سازی جریان اسلامی در داخل ترکیه و در جهان اسلام
- ۱۵۵..... جمع‌بندی، نقد و بررسی

## فصل چهارم: اسلام‌گرایی اجتماعی و تمدن نوین اسلامی

۱. ظهور اسلام‌گرایی اجتماعی (میان‌رو) ..... ۱۶۰
۲. معرفی محمد فتح‌الله گولن ..... ۱۶۶
۳. مراحل و اهداف جنبش گولن ..... ۱۶۹
۴. مبانی اندیشه‌ای جنبش گولن ..... ۱۷۳
- الف) تأکید بر جایگاه علم و عقل در اسلام ..... ۱۷۳
- ب) عمل‌گرایی ..... ۱۷۴
- ج) احیای تمدن اسلامی ..... ۱۷۵
۵. صورت‌بندی تمدن اسلامی از منظر گولن ..... ۱۷۸
- الف) ماهیت تمدن ..... ۱۷۸
- ب) سرآغاز تمدن راستین ..... ۱۷۹
- ج) منبع تمدن اسلامی: دین و قرآن ..... ۱۸۳
- د) رابطه دین و علم: نظریه علم دینی ..... ۱۸۸
- هـ) کارکرد تمدن ..... ۱۹۲
- و) مقایسه روح تمدن اسلامی و غربی ..... ۱۹۴
- ۱) آسیب‌شناسی تمدن اسلامی ..... ۱۹۴
- ۲) آسیب‌شناسی تمدن غربی ..... ۱۹۵
- ز) قواعد و ابزارهای تمدن‌سازی ..... ۱۹۶
- ح) گفتگو و رواداری ..... ۱۹۷
- ط) آموزش و تمدن ..... ۱۹۹
- ی) بازار ..... ۲۱۶
- ک) رسانه ..... ۲۲۱

|     |                                                                 |
|-----|-----------------------------------------------------------------|
| ۲۲۳ | ۶. تفسیر گولن از مفاهیم سیاسی                                   |
| ۲۲۴ | الف) اسلام، اجتماع و سیاست                                      |
| ۲۲۶ | ب) دولت                                                         |
| ۲۳۱ | ج) دموکراسی و آزادی                                             |
| ۲۳۳ | د) اسلام ترکی و انقلاب                                          |
| ۲۳۶ | هـ) توجه به حقوق اجتماعی اسلامی و تطبیق با آرمان‌های لیبرالیستی |
| ۲۳۸ | و) امنیت در جامعه داخلی و بین‌المللی                            |
| ۲۴۰ | ز) اسلام و نظام بین‌الملل                                       |
| ۲۴۰ | جمع‌بندی فصل                                                    |
| ۲۴۵ | سخن آخر                                                         |
| ۲۵۷ | کتابنامه                                                        |

## نمایه‌ها

|     |                |
|-----|----------------|
| ۲۷۷ | آیات           |
| ۲۷۸ | روایات         |
| ۲۷۹ | موضوعات        |
| ۲۹۱ | اعلام و مشاهیر |
| ۲۹۵ | کتاب‌ها        |
| ۲۹۶ | مکان‌ها        |
| ۲۹۸ | تنالگان        |

## سخنی با خواننده

تحولات چند دهه گذشته در برخی کشورهای اسلامی، چهره متفاوتی از جهان اسلام را نمایان کرده و این امر نوسازی مطالعات مرتبط با جهان اسلام را ضروری می‌کند. تحولات معاصر در تطورات اندیشه‌ای و ظهور گفتمان‌های نو ظهوری ریشه دارد که توانسته‌اند به پرسش‌های پیش روی جهان اسلام، پاسخ‌های جدیدی ارائه بدهند. انقلاب اسلامی ایران، جریان‌های اسلامی در جهان عرب، در جنوب شرق آسیا و در ترکیه همگی از دوره گذار در جهان اسلام خبر می‌دهند. فهم آینده جهان اسلام در گرو بررسی تفصیلی تحولات کنونی است. شناخت مهم‌ترین اندیشمندان و آثار آنان، شناخت جنبش‌ها و جریان‌های اصلی متأثر از اندیشه‌های جدید، میزان حضور آنها در فضای سیاسی - اجتماعی، جهت‌گیری‌های آنها در برابر محیط پیرامون و بسط بین‌المللی آنها می‌تواند به شناخت این تحولات یاری رساند. بررسی تطبیقی این جریان‌ها در مقایسه با خود و جریان‌های دیگر، تمایزات آنها از پیشینیان خود و هماوردهای خود در جهان اسلام را نمایان تر می‌کند. از سوی دیگر بُرش‌های موضوعی و تطبیق بر اساس آن نیز می‌تواند درک عمیق‌تری را پدید آورد.

از جمله موضوعاتی که انتخاب آن به عنوان مسئله مرکزی در این تحولات ارزشمند به نظر می‌رسد، تمدن‌اندیشی است؛ چراکه در برخی از این جریان‌ها مسئله تمدن از درخواست بیشتری نسبت به گذشته برخوردار شده است. اینکه این امر از کجا ناشی می‌شود، پرسش دیگری است و مجال دیگری می‌طلبد؛ اما شواهد بر این امر دلالت دارند که در مناطقی که از پیشینه تمدنی در تجربه زیستی خود برخوردارند، مانند ایران و ترکیه، تمدن‌خواهی بیشتری در اندیشه‌ورزی‌ها مشاهده می‌شود. ورود مراکز پژوهشی به مطالعات جهان اسلام با رویکردهای گوناگون می‌تواند به ارائه تصویری روشن‌تر، دقیق‌تر و گسترده‌تر از جهان اسلام و تحولات معاصر آن به‌ویژه تمدن اسلامی بینجامد. مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی تلاش کرده با در دستور کار قرار دادن موضوعات پژوهشی مرتبط با جهان اسلام، بخشی از این وظیفه را بر عهده گیرد.

پژوهش پیش رو که حاصل تلاش طولانی و مؤثر آقای دکتر رسول نوروزی مدیر گروه مطالعات تمدنی در مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه است، تمدن‌اندیشی اسلامی در ترکیه معاصر را به عنوان موضوع اصلی مورد تأکید و تمرکز قرار داده است. دکتر نوروزی در این پژوهش پس از ارائه تصویری کوتاه از تحولات تاریخ معاصر ترکیه، به معرفی و بررسی اندیشه تمدنی بدیع‌الزمان سعید نوری، رویکردهای مبتنی بر اسلام سیاسی نجم‌الدین اربکان و اندیشه تمدنی محمد فتح‌الله گولن پرداخته است. در این اثر تلاش شده ضمن نشان دادن فراز و فرود اسلام‌گرایی در ترکیه معاصر، تمدن‌اندیشی به صورت مشخص استخراج و بررسی شود؛ فرایندی که با بدیع‌الزمان سعید نوری آغاز شد و سپس توانست به مجادله جدی با لائسیسم

برخیزد و گسترش و آنگاه در دوره‌های بعد در ابعاد سیاسی تجلی یابد و در گام دیگر در اندیشه‌های محمد فتح‌الله گولن تفسیری دیگر و سرنوشتی متفاوت بیابد. روشن است که این اثر نماینده تام تمدن‌اندیشی در ترکیه معاصر نیست؛ اما سرآغازی بر تدوین اندیشه‌هایی است که برای مخاطب ایرانی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. امید است پژوهش‌های تمدنی مرتبط با جهان اسلام بیش‌ازپیش گسترش یابد و مطالعات تمدنی در مقیاس یک تمدن به سرانجام برسد. لازم است در این باره از حمایت‌های رئیس محترم پژوهشگاه حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک‌زایی صمیمانه قدردانی کنیم؛ همچنین زحمات معاون پژوهشی پژوهشگاه حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر یعقوب‌نژاد، نشر پژوهشگاه که عهده‌دار آماده‌سازی فنی و چاپ و نشر اثر حاضر بوده و هست، کارشناس مسئول امور پژوهشی مرکز مطالعات آقای دکتر زهیری، کارشناس دفتر پژوهش جناب آقای ترابی و کارشناس گروه مطالعات تمدنی آقای بهشتی را ارج نهیم. از خداوند متعال توفیق بیشتر می‌خواهیم و افق‌های روشنی را برای امت اسلام و جامعه جهانی اسلام آرزو می‌کنیم. آمین!

حبيب‌الله بابائی

رئیس مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی

## مقدمه

### ۱. بحران رویارویی جهان اسلام با غرب مدرن

گستره‌های تمدنی در صورت رویارویی و تعامل با محیط تمدنی پیرامون خود — بسته به وضعیت درونی خود و میزان و نوع ارتباط و آشنایی با تمدن دیگر — که ممکن است در حالت‌های گوناگونی همچون جنگ، تجارت، ارتباطات سیاسی، فرهنگی و فلسفی صورت پذیرد — واکنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند. در صورتی که گستره تمدنی مقصد از سطح تمدنی برتر یا دست‌کم وضعیت توازن برخوردار باشد، جامعه وضعیت ثبات خود را حفظ خواهد کرد؛ اما چنانچه سطح تمدنی مقصد از هویت تمدنی مستحکم و ثابتی برخوردار نباشند، دچار بحران می‌شود و در این مرحله است که تلاش‌های مضطربانه برای گذار از وضعیت موجود صورت می‌گیرد و این تلاش‌ها در صورتی به کامیابی خواهد انجامید که گستره تمدنی پیش از هر چیز به قرار و سکون هویتی برسد و جامعه باید نسبتش را با «خود» و «دیگری» مشخص کند. از این مرحله به بعد فرایند بازتولید تمدن با اتکا به قواعد تمدن‌سازی شکل می‌گیرد؛ برای نمونه هم ایران و هم ترکیه رویارویی‌های پرشماری با غرب داشته‌اند. ایران از دوره صفویه با غرب تعامل اقتصادی و دیپلماتیک داشته و هیچ‌گاه جامعه و نظام سیاسی ایران بر اثر این رابطه دچار اضطراب نشد و

درباره وضعیت هویتی خود نگرانی نداشت. در دوره‌های اوج تمدن صفوی، بسیاری از بیگانگان در مناطق گوناگون ایران اسکان داده می‌شدند. مسیونرهای مسیحی به‌طور رسمی و آشکار و با اجازه پادشاه وقت در ایران فعالیت داشتند که برخی از آنها همچون پدر آنتونیو دوززو یا علی‌قلی جدیدالاسلام شیعه شدند.<sup>۱</sup> تمدن عصر صفوی با آغوشی باز مسیونرهای مسیحی را می‌پذیرفت تا قدرت فرهنگی و علمی عرصه تمدنی خود را نمایان کند. همه اینها نشانگانی از قرار هویتی در جهان اسلام بود. بازرگانان خارجی و جهانگردان بسیاری در ایران حضور داشتند که سفرنامه‌های فراوانی از وصف آنها از سطح توسعه ایران و مقایسه آن با اروپای به‌جای‌مانده از دوره قرون وسطا نکات بسیار جالبی را در اختیار قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> اما در دوره قاجار و سپس پهلوی، این رویارویی ابعاد نظامی و سیاسی را نیز تجربه کرد و سبب تغییر در صورت‌بندی رویارویی ایران با غرب شد. در امپراتوری عثمانی نیز وضعیت مشابهی در کار بود. عثمانی که خود را خلیفه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانست، به‌شدت با جهان غرب دچار چالش بود. غرب قرون وسطا چه در برابر صفوی و چه در برابر عثمانی از جایگاه امروزی برخوردار نبود؛ بنابراین نه در ساحت علم، نه در ساحت فرهنگ و نه در ساحت جنگ، سلطه و برتری هژمونیک نداشت. سلطان محمد فاتح با فتح قسطنطنیه افول امپراتوری روم شرقی را تکمیل کرد و پادشاهان دیگر عثمانی با نفوذ تا قلب اروپا و دروازه‌های وین، قدرت جهان اسلام را به رخ جهان مسیحیت کشیدند.

۱. رک: رسول جعفریان؛ صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست؛ ج ۳، ص ۱۰۰۱-۱۰۰۳.

۲. رک: آدام اولتاریوس؛ سفرنامه اولتاریوس. ژان شاردن؛ سفرنامه شاردن. آنتونی شرلی؛ سفرنامه برادران شرلی. پیتر دلاواله؛ سفرنامه پیتر دلاواله. ژان باتیست تاورنیه؛ سفرنامه تاورنیه.

رویاری جهان اسلام با غرب مدرن از ده‌های پایانی قرن نوزدهم شدت بیشتری یافت و در دهه‌های آغازین قرن بیستم به‌ویژه در پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹م به اوج خود رسید. فروپاشی امپراتوری عثمانی و زوال چند قرن حاکمیت بر بخش‌هایی از جهان اسلام و اروپا، اشغال ایران، فروپاشی حکومت قاجاریه و... از پیامدهای این رویاری بود که بحران مدرنیته غربی را از ساحت‌های فکری به حوزه‌های عملی کشاند؛ هرچند پیش‌تر در جنگ‌های ایران و روس و در مراداتی که میان بخش‌های غیرعربی جهان اسلام به‌ویژه ایران عهد قاجار، عثمانی و هند، با روسیه، انگلستان، پرتغال و کشورهای اروپایی دیگر ایجاد شده بود، تفاوت‌ها در حوزه قدرت و اثرگذاری و نفوذ بین این دو رقیب دیرینه آشکار شده بود. این بحران که در خشن‌ترین حالت آن یعنی شکل نظامی نمایان شد، در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی نیز جهان اسلام را به چالشی جدید وارد کرد و در نهایت در کلان‌ترین سطح خود به بحرانی تمدنی تبدیل شد؛ بدین معنا که این بحران یک مواجهه تمدنی با سیستم‌های فرهنگی متمایز بود؛ از این‌رو پرسش اصلی در مورد مدرنیته اروپایی صرفاً حول محور اقتباس مدل اقتصادی، مدل سیاسی یا فناوری و... نبود؛ بلکه پرسش اساساً حول محور غربی‌شدن یا نشدن (پذیرش تمامی ارزش‌ها و هنجارهای غربی یا نپذیرفتن آن) قرار گرفت و این امر نشان می‌داد بحران از سطوح خرد عبور کرده و در کلان‌ترین سطح و حادث‌ترین شکل ممکن، یعنی تقابل دو سیستم فلسفی ظهور و بروز یافته و جدال‌های پراکنده به مجادله گفتمانی تبدیل شده است.

در این پژوهش در کنار بررسی صورت‌بندی‌های رویکردهای گوناگون اسلامی با تمدن غربی، این فرضیه نیز بررسی می‌شود که این صورت‌بندی‌ها

ارتباط مستقیمی با میزان شناخت از «خود» و «دیگری» دارد؛ بدین معنا که هر سطح از شناخت، خروجی متفاوتی نسبت به سطح بعدی خواهد داشت؛ از این رو بیشترین داده‌های به دست آمده در سطح شناختی که در وضعیت مواجهه نظامی میان جهان اسلام از غرب به دست می‌آید، به عرصه نظامی معطوف است. داده‌هایی که در سطح صلح حداقلی به دست می‌آید، لایه‌های بیشتری را در بر می‌گیرد که در عرصه‌های تجارت، صنایع، آموزش و... صورت‌بندی می‌شود و در نهایت داده‌هایی که در سطوح ارتباطی گوناگون اعم از دیپلماتیک، آموزشی، تجاری و... به دست می‌آید، سطح مواجهه و قبض و بسط و تغییر و تحول تمدنی را در سطوح کلان‌تری به نمایش می‌گذارد؛ اما عالی‌ترین سطح این مواجهه، سطح مواجهه مبانی فلسفی و سازنده دو تمدن است. جهان اسلام در رویارویی با غرب، همه سطوح ارتباطی را تجربه کرده است. هنگامی که غرب در این سطوح از وضعیت بهتری برخوردار بود، جهان اسلام چالش‌ها و در نهایت بحران داخلی را تجربه کرد. چالش‌های سطح نظامی، اصلاحات نظامی مدل عباس میرزا یا اصلاحات و تنظیمات عثمانی در سطوح نظامی را در بر داشت که چاره کار نبود. سطح ارتباطات صلح‌آمیز، اصلاحات امیرکبیر و تغییرات سیستم آموزشی، صنعتی و... را در بر داشت که حوزه عثمانی نیز چنین تجربه‌ای داشت و در نهایت در شکل سیاسی، اصلاحات سیاسی در قالب نظام مشروطه را به نمایش گذاشت که هر دو حوزه ایران و عثمانی تجربه مشترکی در این زمینه داشته‌اند؛ اما هیچ‌یک از این راه‌ها نتوانست رویارویی با جهان غرب را به سود جهان اسلام تغییر دهد. به نظر می‌رسد تا زمانی که جهان اسلام در سطوح فلسفی که خروجی آن فرهنگ است، با غرب مواجه نشود، نمی‌تواند درک درستی از ماهیت غرب داشته

باشد؛ زیرا تنها در این صورت است که امکان مقایسهٔ دو مبنا وجود دارد. در سه لایهٔ پیشین خروجی‌های آن با مبانی اسلامی تطبیق داده می‌شود؛ مثلاً خروجی صنایع نظامی، خروجی صنایع صنعتی و آموزشی و در نهایت نظام مشروطه و دموکراتیک با آموزه‌های اسلامی تطبیق داده می‌شود و در این صورت امکان صورت‌بندی صحیح با تمدن غربی از دست می‌رود و دقیقاً به همین دلیل بود که ارتباط میان جهان اسلام و جهان غرب یک ارتباط بحران‌زا تصویر نمی‌شد. اما پس از آشنایی جهان اسلام با جنبه فلسفی غرب بود که فرهنگ غربی به عنوان یک جایگزین فلسفه و فرهنگ اسلامی مطرح شد؛ یعنی جدال جهان اسلام با غرب در ضعف نظامی (عباس میرزا)، ضعف علمی و صنعتی (امیرکبیر) یا در شکل نظام سیاسی (انقلاب مشروطه) نبود؛ بلکه جدال واقعی جهان اسلام با جهان غرب در ساحت فلسفی و فرهنگ غرب بود. همان‌گونه که کالینز معتقد است، اقتباس تمدنی و اثرگذاری تمدنی زمانی اتفاق می‌افتد که دو تمدن به فلسفه و فرهنگ (ارتباط فرهنگی) یکدیگر توجه کنند و پس از آن است که حضور عناصر اقتصادی، سیاسی و نهادی دیگر آسان می‌شود و در بافت جدید تمدنی معنا می‌یابد.<sup>۱</sup>

## ۲. مسائل و رویکردهای برآمده از بحران مواجهه

بحران چگونگی رویارویی با تمدن غرب که «چالش مدرنیته» نامیده شده است، در جهان اسلام پرسش‌های گوناگونی را ایجاد کرد؛ از جمله این پرسش‌ها نقش مدرنیته در ظهور گفتمان‌های اسلامی است. این پرسش فرع بر

1. Randal Collins; "Civilizations as a Zone of Presige and Social Contact"; pp. 136-137.

پرسش ارتباط میان مدرنیته و توسعه (تمدن) است. برخی بر این باورند که امکان دستیابی به توسعه بدون پیروی کامل از مدرنیته امکان‌پذیر نیست؛ یعنی مدرنیته به عنوان محصول تحولات چند قرن اخیر غرب، از شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی همچون سکولاریسم، اومانیسم، فردگرایی و خردگرایی برخوردار است که اصول مسلم دستیابی به آن در نظر گرفته می‌شود؛ بدین معنا که دستیابی به مدرنیته بدون مراعات این اصول امکان‌پذیر نیست. رویکرد دیگر به مدرنیته، رویکرد بوم‌گرا به مدرنیته است و هر جامعه‌ای می‌تواند با حفظ دین، اخلاق، سنت‌ها و... به توسعه دست یابد؛ اما سرانجام این توسعه نیز ذیل مدرنیته تعریف می‌شود؛ یعنی رابطهٔ عموم و خصوص من وجه است؛ اما بخش خاص‌بودگی آن در وضعیت حداقلی تمایزبخشی وجود دارد.<sup>۱</sup> در بررسی گفتن‌های تمدنی در کشورهای گوناگون جهان اسلام باید به این بخش نیز توجه شود؛ از این رو ضروری است که واکنش‌های گوناگون به مقولهٔ غرب و مدرنیته برآمده از آن توصیف شوند.

از آنجایی که هنگام آشنایی با مدرنیتهٔ غربی، جهان اسلام از یکپارچگی در ساحت نظر و عمل برخوردار نبود، طبیعی بود که در برهه‌های گوناگون تاریخی، واکنش‌های متفاوتی در باب نحوهٔ ارتباط با مدرنیته از خود بروز دهد. این واکنش‌ها اغلب می‌توان در طیف گسترده‌ای از تغییر کامل و همه‌جانبهٔ زیست سیاسی و اجتماعی بر اساس مدل غربی از یک سو و تحفظ کامل بر سنت‌ها و ارزش‌های بومی از سوی دیگر دسته‌بندی کرد. در رویکرد نخست (رویکرد غرب‌گرایی محض) برخی کشورهای اسلامی متفعلانه مبهوت

1. See: Peter j Katzenestine; *Civilizations in World Politics: Plural and Pluralist Perspectives*.

مدرنیت غربی شده و با پذیرش سکولاریسم (و فراتر از آن لائسیسم) به عنوان سکوی پرش به دنیای مدرن و دستیابی به پیشرفت، در صدد حذف اسلام از ساحت اجتماعی و سیاسی برآمدند؛ از این رو در مقطعی برخی کشورها همچون ایران عصر پهلوی و ترکیه دوران آتاتورک، اسلام را مانع پیشرفت دانستند و با همت تمام به سمت غربی شدن گام برداشتند. رویکرد دوم نیز غرب‌ستیزی را سرلوحه کار خود قرار داد و با اعتقاد و باور به ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی، تلاش چشمگیری برای محافظت از اسلام از خود نشان داد. این رویکرد در مناطق گوناگون جهان اسلام در قالب‌های گوناگونی بروز یافت؛ به بیان دیگر نخستین واکنش‌های چگونگی عبور از این رویارویی تمدنی، دو دسته آرای ایجابی، یعنی پذیرش غرب و آرای سلبی، یعنی طرد غرب را که از این رویکرد به رویکرد شریعت‌گرایی اسلامی نیز یاد می‌شود،<sup>۱</sup> در بر می‌گیرد که دو سر طیف نظریه‌پردازی را ایجاد کرده‌اند. در میانه این دو طیف، رویکردهایی پدید آمدند که کوشیدند با نزدیک کردن دو دیدگاه اصلی، مسیری را فراهم آورند که به حل بحران بینجامد؛ زیرا دو شیوه پیشین صرفاً حذف صورت مسئله بود و هردو رویکرد سبب افزایش سطح بحران می‌شد. این دسته از عالمان مسلمان در صدد برآمدند تا با شناخت مسائل مطروحه و طرح پرسش‌های جدید و فراهم آوردن پاسخ‌های درخور، با اتکا به اسلام، مانع از بین رفتن هویت دینی مسلمانان ترکیه شوند. نقطه کانونی این پرسش‌ها ارتباط میان اسلام و مدرنیت غربی یا به طور کل مسئله پیشرفت و ترقی و تمدن‌سازی بود. همین امر سبب شکل‌گیری فضای فکری جدیدی در میان اندیشوران مسلمان ترکیه شد و

۱. محمد تقی سبحانی: «درآمدی بر جریان‌شناسی دینی در اندیشه معاصر»؛ ص ۲۸۵.

در نتیجه می‌توان گفت نقطه عطفی در تفکر دینی و ظهور اندیشه‌های جدید را در پی داشت؛ زیرا رویکرد عالمانه در فضای تعقل و تحقیق و فارغ از احساسات و شور دینی و مذهبی شکل می‌گیرد و همین امر سبب می‌شود پاسخ‌هایی که فراهم می‌آیند، از قابلیت بیشتر حل مسئله و در همین راستا از گستره و قدرت و دوام بیشتری نیز برخوردار باشند.

رویکردهای میانه<sup>۱</sup> را می‌توان گزینش انتخابی یا اقتباس آگاهانه دانست. رویکرد سوم رویکرد تعامل انتقادی با غرب است که پس از عبور از واکنش‌های احساسی اولیه - له یا علیه مدرنیته - واکنش‌های عالمانه و منطقی‌تری در قبال مدرنیته از خود بروز داده است. این رویکرد با اتکا به علوم اسلامی مبتنی بر مذاهب گوناگون اسلامی به مطالعه مدرنیته پرداخته و در نتیجه شاهد ظهور گفتمان‌های جدید اسلامی هستیم. رویکرد انتخاب گزینشی قرائتی از اسلام با هدف احیای تمدن اسلامی با قرائتی روزآمد از اسلام بود. در حقیقت هر جریان دینی که از قابلیت بیشتری در بحث رابطه نظر و عمل برخوردار بود، توانست خود را با شرایط جدید منطبق‌تر کند؛ اما جریان‌هایی که سنت‌گرای محض بودند و توان برقراری ارتباط میان ساحت عمل و نظر را به لحاظ تنوریک نداشتند، به سمت بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی پیش رفتند. این نوع قرائت از اسلام را می‌توان تفکر سیاسی - اجتماعی دانست؛ زیرا در این تفکر سخن از ماهیت و مناسبات اجتماعی و شیوه رویارویی انسان با پدیده‌های جمعی و عمومی است.<sup>۲</sup>

۱. در اینجا استفاده از اصطلاح میانه، بیان جایگاه این رویکرد به صورت دقیق نیست؛ بلکه صرفاً هدف بیان تمایز این یک رویکرد با دو رویکرد پیشین است؛ یعنی ممکن است رویکرد سوم لزوماً حد وسط یا میانه دو رویکرد پیشین نباشد.

۲. رک: محمد تقی سبحانی؛ «درآمدی بر جریان‌شناسی دینی در اندیشه معاصر»؛ ص ۲۷۹-۳۱۱.

در این رویکرد، غرب نه به عنوان یک وضعیت، بلکه به عنوان یک فرایند در نظر گرفته می‌شود. در این وضعیت، بررسی غرب به خروجی‌های آن محدود نمی‌شود؛ بلکه به مبانی فلسفی آن نیز توجه می‌شود. برخی در این دیدگاه بر این باورند که می‌توان با بخش‌هایی از آن همراهی کرد؛ بدون آنکه مقهور تمامی مبانی فلسفی آن شد؛ زیرا امکان احتراز از آن وجود دارد. این نگاه منتقدانی جدی دارد که رویکرد تفکیکی به غرب را امکان‌پذیر نمی‌دانند؛<sup>۱</sup> با وجود این برخی اندیشوران کوشیده‌اند خط تمایزات میان غرب و جهان اسلام را مشخص و نوعی سازواری میان این دو پدیده برقرار کنند. در پژوهش حاضر به رویکردهای گوناگون اسلامی در باب چگونگی مواجهه با غرب در ترکیه معاصر پرداخته می‌شود. گفتمان‌های فکری ظهوریافته در ترکیه معاصر را می‌توان در طیف‌های گوناگونی طبقه‌بندی کرد. در اواخر دوره عثمانی، چهار جریان اسلام‌گرایی، عثمانی‌گرایی، غرب‌گرایی و پان‌ترکیسم شکل گرفت. پس از تأسیس جمهوری نیز کمالیسم، ناسیونالیسم، اسلام‌گرایی، چپ‌گرایی و لیبرالیسم پنج گفتمان اصلی بودند که هریک در درون خود گرایش‌های مختلفی داشتند. گفتمان اسلام‌گرا به طیف‌های اسلام‌گرایی سیاسی و اسلام‌گرایی اجتماعی<sup>۲</sup> (اسلام‌گرایی فرهنگی) تقسیم می‌شوند. در کنار این جریان‌ها شاهد تولد

---

۱. ر.ک: رضا داوری اردکانی؛ رساله در باب سنت و تجدد. همو، «تفاوت ما و ژاپن در برخورد با تمدن غرب».

۲. جریان اسلام‌گرایی اجتماعی ترکیه را اسلام‌گرایی فرهنگی نیز می‌نامند؛ زیرا این جریان بر مسائلی مانند آموزش و رسانه تأکید دارد و اثرگذاری بر نخبگان جامعه را بیش از گروه‌های اجتماعی می‌پسندد و در مجموع فعالیت‌های فرهنگی در آن بر فعالیت‌های اجتماعی غلبه دارد. در پژوهش پیش رو مفهوم اسلام‌گرایی اجتماعی به معنای تمایز و جدابودن از فعالیت‌های فرهنگی نیست.

جنبش‌های قومیتی مانند جنبش قومی کردی هستیم که نمی‌توان آن را جریان فکری دانست؛ بلکه فقط جریانی قومی است که در جستجوی هویت قومی خود و به‌دست آوردن امتیازاتی (نظیر خودمختاری از حکومت مرکزی) است.

کشور ترکیه از جهات گوناگونی برای ایران اهمیت دارد؛ از یک سو ترکیه، هم از منظر جغرافیای سیاسی و هم از منظر جغرافیای فرهنگی، یکی از مهم‌ترین همسایگان ایران است که در چهار دههٔ اخیر روابط خوبی میان دو کشور برقرار بوده است. همچنین کشور ترکیه بازیگر موازنه‌بخش غیر عرب منطقهٔ خاورمیانه و - حتی می‌توان گفت - جهان اسلام است که تلاش دارد نقش راهبردی و راهبری خود در جهان اسلام و خاورمیانه را بازتولید کند. این رویه سبب شده در برخی سیاست‌ها از ایالات متحدهٔ آمریکا و اتحادیهٔ اروپا نیز فاصله بگیرد تا بتواند به عنوان یک بازیگر مستقل مطرح شود. همچنین در ترکیه شاهد ظهور گفتن‌های بسیاری هستیم که هر گفتن پاسخی متفاوت از گفتن‌های دیگر در فرایند رویارویی با غرب ارائه کرده است. نقطهٔ کانونی این گفتن‌ها، قرائتی است که مدعی است تنها الگوی موفق برای ایجاد جامعهٔ اسلامی و حتی تمدن اسلامی را تولید کرده و موسوم به «اسلام آناتولی» است؛ مدلی که مبتنی بر قرائتی مدرن بر اساس تجربهٔ زیست مسلمانان در جغرافیای آناتولی از اسلام است؛ یعنی با تجربهٔ زندگی دینی، فرهنگی و اجتماعی در سرزمین آناتولی، پس از مسلمان شدن این جغرافیا نسبت دارد. اثربخش‌ترین مؤلفه در اسلام آناتولی، آموزه‌های صوفیان و عارفان خراسان است که در سرزمین آناتولی گام نهادند. رصد این جریان در بخش‌های گوناگون تاریخی میسر است که بخش چشمگیری از آن را دوران امپراتوری عثمانی تشکیل می‌دهد و امروزه عثمانی‌گرایی (نوعثمانی) بخش مهم مدل تمدنی در ترکیهٔ معاصر شده است و

داعیه‌داری ساخت تمدن اسلامی با نگاه به تجربه عثمانی بازتولید می‌شود. هرچند بیش از یک قرن از فروپاشی امپراتوری عثمانی و بالارفتن پرچم سفید عبدالحمید دوم از فراز کاخ ییلدیز در برابر انقلابیان می‌گذرد، سودای بازگشت به شوکت دوران عثمانی و ایجاد یک موازنه تمدنی با نقطه کانونی اسلام - ترک در برابر غرب ظهور و بروز دارد. مدعای اسلام‌گرایان ترکیه، عرضه الگویی خاص و موفق برای ایجاد یک جامعه اسلامی و حتی تمدن اسلامی سازوار با مدرنیته غربی است که هم مبتنی بر قرائتی خاص از اسلام است و هم بر خلاف قرائت‌های رادیکال، جهان غرب را دشمن جهان اسلام قلمداد نمی‌کند.

### ۳. معرفی پژوهش حاضر و تقدیر و تشکر

شناخت اندیشه‌های معاصر جهان اسلام در باب چگونگی رویارویی با جهان غرب و ساخت تمدن نوین اسلامی، هم رصد فرایندهای کنونی جریان‌های تمدنی در جهان اسلام را میسر می‌کند و هم بررسی تطبیقی اندیشه‌های تمدنی را فراهم می‌آورد؛ ازاین‌رو دراختیارداشتن تصویری جامع از رویکردهای تمدنی در جهان اسلام می‌تواند ما را در پیش‌بینی جریان دانشی و جریان‌های اجتماعی و سیاسی‌ای که مدعی ارائه رویکردی خاص در باب تمدن نوین اسلامی هستند، یاری رساند. پژوهش حاضر بخشی از پروژه‌ای است که به شناخت رویکردهای تمدنی در جهان اسلام اختصاص یافته است که می‌توان طیف‌های گوناگونی از آن را از جنوب شرق آسیا تا منطقه آفریقای عربی، خاورمیانه و... یافت؛ برای نمونه در جنوب شرق آسیا «اسلام تمدنی» مالزی یک پروژه فکری است که تلاش شده در عرصه عمل نیز تعقیب شود تا منطقه مالایی‌نشین را به یک وحدت تمدنی نزدیک کند. شناخت این پروژه‌های

فکری و عملی می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران در راستای تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و طراحی تمدن نوین اسلامی راهگشا باشد. در صورتی که این احتمال وجود داشته باشد که هریک از این الگوها به تحقق نزدیک شوند، بازیگران تمدنی آینده جهان اسلام مشخص می‌شود و می‌توان الگویی برای تبیین نظم در جهان اسلام عرضه کرد و فرایندهای احتمالی آن را پیش‌بینی نمود.

پژوهش پیش رو محدوده زمانی نیم قرن پایانی حکومت عثمانی و دوره ترکیه مدرن را در بر می‌گیرد. در این دوره رویکردهای غرب‌گرای محض همچون رویکرد ترکان جوان و پان‌ترکیست‌ها و جمهوری خواهان به غرب رشد و نمو کرده‌اند و در کنار آنها نیز رویکردهای اسلام‌گرای محضی وجود داشتند که با تمام مظاهر غربی مخالف بودند. هریک از این رویکردها از منظر خاص خود به چگونگی مواجهه با غرب و ایجاد موازنه در برابر آن پرداخته‌اند. رویکرد اسلام‌گرای محض و نفی تمامی مظاهر غربی از سوی شیخ الاسلام‌ها پیگیری می‌شد. در حوزه غرب‌گرایی نیز می‌توان به کسانی همچون «ضیا گوکالپ» اشاره کرد که ورود آنها از دریچه علوم مدرن بوده و به مسئله تمدن با ترسیم راهی که از غرب می‌گذشت، پاسخ گفتند. اما در نحله سوم که در سازواری میان اسلام و مدرنیته می‌کوشیدند، می‌توان به افرادی مانند «بدیع الزمان سعید نوری» و «محمد فتح‌الله گولن» اشاره کرد که از نگاه اسلامی به شناخت پدیده مدرنیته ورود کردند و در صدد ایجاد یک مدرنیته اسلامی برآمدند. این گروه که اسلام‌گرایان میانه‌رو یا اسلام‌گرایان اجتماعی نامیده شدند، راه حل عبور از بحران را ایجاد یک جامعه اسلامی پیشرفته با تربیت افراد دانسته‌اند؛ جامعه‌ای که از معایب مادی‌گرایانه غرب مبرا و از

مزایای توحیدی اسلامی برخوردار باشد. از این منظر، هم پالایش جوامع اسلامی ضرورت دارد و هم نقد جهان غرب، تا در پرتو آن زمینه‌های داخلی بحران از بین برود و در برابر عوامل بیرونی ایجاد بحران در جهان اسلام مقاومتی آگاهانه شکل بگیرد. در این میان می‌توان به رویکرد اسلامی دیگری همچون اسلام سیاسی مدل نجم‌الدین اربکان اشاره کرد که راه‌حل‌گذار از بحران در جهان اسلام را ایجاد یک دولت اسلامی برای اسلامی‌سازی جامعه می‌دانست که با مقاومت شدید جریان‌های لائیک روبرو شد و به تغییر رویه ناچار شد و در قالب حزب عدالت و توسعه، خود را بازسازی کرد تا بتواند در عرصه قدرت سیاسی باقی بماند.

پژوهش حاضر با یک مقدمه که شامل بخشی از مباحث نظری است، آغاز شده است. در ادامه در فصل نخست به بررسی تحولات ترکیه معاصر پرداخته شده تا مخاطب تصویری روشن از تحولات دو قرن اخیر عثمانی - ترکیه داشته باشد. در فصل دوم به بررسی اندیشه‌های علامه بدیع‌الزمان سعید نوری پرداخته می‌شود. در فصل سوم به اندیشه‌های نجم‌الدین اربکان اشاره می‌شود. گفتنی است که نجم‌الدین اربکان بیش از آنکه یک اندیشمند تمدنی باشد، یک اندیشمند سیاسی و یک فعال سیاسی است. اختصاص فصلی نسبتاً کوتاه به نجم‌الدین اربکان به منظور روشن شدن تفاوت دو رویکرد اسلامی در ترکیه نسبت به نحوه رویارویی با مدرنیته و نشان دادن قرابت‌های آن با دیگر رویکردهای موجود در جهان اسلام است. در فصل چهارم به اندیشه‌های فتح‌الله گولن پرداخته می‌شود و در پایان در یک جمع‌بندی، مباحث کتاب به پایان برده می‌شود.

از تمامی استادان و عزیزانی که مسیر اجرای این پژوهش را برای بنده

هموار کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. از رئیس محترم مرکز مطالعات اجتماعی - تمدنی جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر حبیب‌الله بابایی و مدیر محترم گروه مطالعات تمدنی جناب آقای دکتر محمدرضا بهمنی که با همدلی و همراهی کامل مقدمات انجام این پروژه را فراهم کردند، سپاسگزارم؛ همچنین از جناب حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی که طرح اولیه پژوهش و سیر آن در جلساتی با ایشان تنظیم شد و با مطالعه نسخه نهایی این اثر و نظارت علمی بر غنای آن افزودند. بی‌گمان تمامی کاستی‌ها و معایب این اثر متوجه نگارنده خواهد بود.

رسول نوروزی